حیای در گفتار از دیدگاه حضرت زهراسلام الله علیها

افسر قاسمی[1]

– چکیده:

حیا از فضایل اخلاقی است که تمام ابعاد زندگی انسان را در بر می‌گیرد و گفتار از نعمتهای بزرگ الهی است که نقش تعیین کننده در ساختار شخصیتی انسان دارد. با دقت در زندگی الگوهای نمونه‌ای چون حضرت زهرا ﷺ می‌توان به شناخت حیای در گفتار رسید. با توجه به معنای اصطلاحی حیا، که خودداری از انجام قبیح یعنی ترک واجب و انجام حرام از لحاظ شرعی و عقلی و عرفی بیان شده و گفتار هم از دو قسمت محتوا و نحوه بیان تشکیل می‌شود حیای در گفتار نیز شامل دو جنبه حیای در گفتار به لحاظ محتوا و حیای در گفتار به لحاظ نحوه بیان می‌شود که در مواردی قابل تفکیک نیست. حضرت زهرا ﷺ به لحاظ محتوا با راستگویی، بیان کلام در قالب حمد و شکر، ذکر و دعا، خواندن نماز و قران، گفتار برای دفاع از حق و عدم ارتکاب به گناهان زبان مثل هتک حرمت مومن با غیبت و تهمت و ناسزاگویی نمونه کامل حیای در گفتار بودند. گاهی هم با سکوت خود، بهترین محتوایِ کلامِ با حیا را بیان می‌داشتند. حیای در نحوه بیان نیز با ادب گفتار در هم‌صحبتی با پدر، همسر، فرزندان و اطرافیان و دقت در نحوه سخن گفتن با نامحرمان، دیدگاه خود را نشان داده‌اند. امید آن که با تأسی به رفتار آن حضرت و حیای در گفتار مایه زینت آن امامان بزرگوار باشیم.

– ***کلید واژه***: *حیا، گفتار، شرم، ادب، حضرت فاطمه* ﷺ.

– مقدمه:

حیا از مهم ترین قالب‌های تقوا و از عوامل خودنظم‌دهی است که از طرف دین معرفی شده است. از دیدگاه اسلام حیا، نه مبتنی بر ترس است و نه مبتنی بر طمع، بلکه مبتنی بر احترام به خود یا کرامت

[1] . مدرس مدرسه علمیه حضرت زهراﷺ میبد،afsarghasemi۵۲@gmail.com

انسانی است. بر اساس آن وقتی فرد خود را درحضور شخصی کریم بیابد، از ارتکاب زشتی‌ها خودداری و رفتار یا گفتارخود را تنظیم می‌کند. اگرچه اکثر انسان‌ها تا حدودی متوجه رفتارهای خود هستند اما در زمینه گفتار شاید کمی بی‌دقت‌تر باشند و اصلا اعتقاد یا توجهی به حیای در گفتار نداشته باشند. امروز این دهکده کوچک جهانی در عصر ارتباطات بیش از هر چیزی به این فضیلت مهم اخلاقی نیاز دارد و نسل مسلمان با داشتن الگوهایی چون حضرت زهرا مسئول‌تر از همه در شناخت و احیای این صفت پسندیده است.

این مقاله درپی آن است تا «حیای در گفتار حضرت زهرا ﷺ » را بررسی نماید و به این سوالات پاسخ دهد که : «حضرت زهرا ﷺ در گفتار و بیان کلام چگونه بودند؟ » «به چه صورت حیای در گفتار را مراعات می‌کردند؟» و برای نسل امروز الگوی نمونه‌ای از حیای گفتار ارائه دهد تا همه بیش از پیش متوجه گفتار و حرف زدن خود چه در نحوه بیان و محتوا باشند.

گرچه تاکنون پژوهش‌های فراوانی در سیره و زندگی‌نامه حضرت زهرا ﷺ انجام شده است؛ اما هیچ کدام به چگونگی کلام ایشان با نظر به حیای حضرت اشاره نکرده‌اند و فقط به شکل پراکنده در مباحث سیره شناسی، حیا و ادب ایشان را ـ به طور کلی، با ذکر چند روایت ـ اشاره کرده‌اند و تاکنون هیچ کتاب و مقاله-ای درباره «حیای در گفتار از دیدگاه حضرت زهرا ﷺ » نوشته نشده است. این پژوهش دینی و توصیفی تحلیلی است که به روش کتابخانه‌ای با استفاده از منابع دیجیتالی نور (جامع الاحادیث) و سایر منابع انجام شده است.

۱– مفهوم شناسی حیای گفتار:

واژه حیا از ریشه "حیی" و در معنی استحیا، شرم و ضد وقاحه (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج۲، ص۳۳۵) به کار رفته است. عده‌ای آن را از ریشه "حیو" (قرشی، ۱۴۱۲، ج۲، ص۲۱۰،) دانسته‌اند. لغت‌شناسان عربی به معنی حشمت (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج۱۴، ص۲۱۷)، «گرفتگی و دوری گزینی از کار زشت به جهت ترس از مذمت مردم» (طریحی، ۱۳۷۵، ج۱ص۱۱۶) و انقباض نفس از زشتی ها و ترک آن به جهت زشت بودن (راغب، بی‌تا، ج۱ص۵۷۳) معنا کرده‌اند که ظاهرا نزدیک به موضوع است. در فرهنگ لغت فارسی این واژه به معنی شرم، حشمت و ضد وقاحه آمده که شرم هم در معانی خجلت، عیب، عار و آزرم معنا شده است. به نظر می‌رسد نمودهای مختلف حیا را در معانی لغوی متفاوت بیان نموده‌اند. همچنین حشمت به معنی عظمت و شکوه و جاه و جلال (واژه‌نامه دهخدا و معین. ذیل واژه) معنا شده که از آثار حیا است.

در تعریف اصطلاحی حیا، مطالب مختلفی بیان شده است. حضرت امام صادق ﷺ می‌فرماید: « حیا نوری است در باطن انسان که خلاصه آن سینه و مرکز ایمان است. و تفسیر حیا آن که: آدمی پا برجا و

محکم باشد در مقابل هر چیزی که بر خلاف توحید و معرفت است » (منسوب به جعفر بن محمد، ۱۳۶۰، باب۹۳، ص۴۲۵)

نویسنده کتاب پژوهشی در حیا، با بررسی سیزده تعریف اصطلاحی از علمای اخلاق، در مجموع به چند نکته مشترک از تعاریف دست می‌یابد.

۱- حیا ، هنگام مواجهه با فعل قبیح رخ می‌دهد؛
۲- در این حالت، روان انسان ، حالت انکسار، انفعال و انقباض، انزجار و انحصار پیدا می‌کند؛
۳- این نوع برانگیختگی در عمل، موجب انجام دادن یک کار و یا ترک کار می‌شود؛
۴- حیا زیر مجموعه ترس است و گاهی علت حیا زشتی و نقصان خود عمل است؛
۵- منشا زشت دانستن یک عمل یا شرع است یا عقل و یا عرف و آداب یک جامعه (پسندیده، ۱۳۹۰،ص ۱۸) .

می توان گفت حیا یک حالت و یا ملکه است که در هنگام مواجهه با فعل قبیح بروز می یابد که این فعل قبیح یا انجام دادن حرام است یا ترک واجب(شرعی، عقلی، عرفی) و حیا هم بازدارنده از فعل نابهنجار و هم وادارنده به کار خوب است (ر.ک. پسندیده،۱۳۹۰، صص ۳۱- ۴۲) .

حیا از جنبه‌های مختلف ، دارای تقسیمات متفاوت است. با توجه به این که ملاک ما در تقسیم بندی ، کاربرد حیا و یا بر اساس انواع ناظر باشد به موارد مختلف حیای مثبت و منفی ، حیا از مردم ، از خود، از پیامبر و ائمه، حیا از فرشتگان و حیا از خداوند تقسیم می‌شود. اما قسم چهارمی هم برای تقسیم حیا است که با توجه به موقعیت قبیح به دو دسته حیا از انجام دادن فعل قبیح و حیا از فکر قبیح تقسیم می‌شود (پسندیده، ۱۳۹۰، صص۸۵-۹۰) که در سنخ فعل به دو شکل رفتار و گفتار نمود می‌یابد.

گفتار به لحاظ واژه‌شناسی اسم مصدر به معنای حدیث، سخن (معین، ج۳، ص ۳۳۳۲) و قول ، مقاله، مقال، کلام (دهخدا، ج۱۱، ص۱۶۲۹۷) است و از مهم ترین و شاید بی بدیل ترین ابزار آدمی، این موجود متفکر و اجتماعی برای انتقال پیامها است. اگرچه گاهی انسانها پیام خود را با اشاره، حرکت و یا حتی سکوت به دیگران منتقل می‌کنند ولی به هر حال تمام این راه‌ها برای انتقال پیام است و منظور از گفتار تنها گفتن و حرف زدن و تولید صدا نیست؛ به عبارتی گفتار در این مقاله به معنای عام « انتقال پیام» با تکیه بیشتر بر کلام می‌باشد.

بحث گفتار از دو جنبه قابل بررسی است: محتوای سخن که ریشه در میزان علم و درایت و اندیشه گوینده دارد و دوم صورت سخن که ریشه در دانایی فرد نسبت به ادب و آداب گفتار دارد (بداشتی، ۱۳۸۸،ص۱۵۷)

پس حیای در گفتار یعنی خوداری از گفتار قبیح که بیان سخن حرام و ترک سخن واجب است. با این تعریف حیای در گفتار شامل موارد متعددی می‌شود. می‌توان گفت تمام موارد گناهان زبان مثل غیبت، تهمت، مسخره کردن، فحش و ناسزا، بددهنی، غنا و آوازه خوانی .... و سایر گناهان زبان که برخی چهل گناه[1] و بعضی کتابها تا صد و نود گناه[2] برشمرده‌اند، به نوعی انجام حرام و یا ترک واجب در قالب گفتار بوده و کسی که مرتکب این گناهان نشود دارای حیای در گفتار است که بیشتر هم در قالب محتوای گفتار می-گنجد. همچنین از آن جا که در تعریف حیا گفته شد منشا زشت دانستن یک عمل علاوه بر شرع و عقل، عرف هم می‌تواند باشد حیای گفتار در قالب صورت سخن و نحوه بیان بیشتر در مباحث ادب گفتار نمود می‌یابد. اگرچه در جاهایی مثل ناسزاگویی، فحش و بددهنی نمی‌توان به وضوح این تفکیک را انجام داد و محتوای کلام و صورت سخن با هم ادب در گفتار را نشان می‌دهد.

۲–الگو بودن حضرت زهرا ﷺ

هر مکتب و مرامی وقتی پا به عرصه وجود می‌گذارد از روشهای مختلف برای پیاده کردن ایده و هدف خود کمک می‌گیرد. یکی از راههای جلب افکار و همچنین از مهمترین روش‌های تربیتی، روش معرفی الگو است. « تاثیر الگو و نقش‌پذیری انسان از آن، امری طبیعی است که از غریزه سرچشمه می‌گیرد» (ابراهیم امینی، ۱۳۸۷،ص۹۸) . در همین راستا بخشی از آیات قران کریم هم به معرفی زنان و مردان موحد و خداپرست به عنوان الگوپرداخته است. قران سیمای انسان کامل را معرفی نموده و رسول الله را اسوه حسنه (احزاب/۲۱) و اهل بیتش را و از جمله فاطمه زهرا ﷺ را الگو و مستمسک ما مسلمانان معرفی می-کند(احزاب/۳۳).

فاطمه پاره تن پیامبر اعظم ﷺ (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص۱۰۴) و سرور همه زنان عالم (دشتی، ۱۳۸۰، ص۱۹۳)، کسی که تمام ائمه - که خود الگوی کامل در تمام ابعاد وجودی‌اند - ایشان را الگوی شایسته خویش (علامه مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۳ ، ص ۱۷

۸) معرفی می‌فرمایند. ایشان اسوه تمام جهانیان در ابعاد مختلف زندگی از جمله «حیا» است.

از اسامی حضرت زهرا ﷺ «قانته» به معنی بسیار با حیا (محمد نژاد، ۱۳۷۹، ص ۱۰۰) و «محجوبه» به معنی پوشیده و با شرم و حیا (همان ، ص۱۰۱) است که تاییدی بر الگو بودن آن حضرت در زمینه حیا است.

و به راستی که نمونه کامل حیا، فاطمه زهرا ﷺ است. کسی که حاضر نمی‌شود در برابر نابینایی بدون حجاب باشد (علامه مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۹۲) البته گروهی حجاب را در روایت به معنای عدم

---

[1] . علی محمد حیدری نراقی، چهل گناه زبان، قم، ناشر مهدی نراقی، ۱۳۹۳.

[2] . کریم فیضی، دنیای زبان (صد ونود گناه زبان)، قم، انتشارات تهذیب، چاپ سوم، ۱۳۸۶.

حضور نزد نامحرم معنا کرده‌اند (حسینیان قمی،۱۳۹۰، ص۳۹) که در هر صورت به حیای آن حضرت اشاره دارد.

کسی که نمی‌خواهد بعد از مرگ، بدن نحیف او از روی پارچه‌ای که بر تابوت می کشند پیدا باشد (اربلی، ۱۳۸۱، ج۱، ص۵۰۴). او کسی است که از فکر برهنه بودن مردم در برابر یکدیگر در روز قیامت اندوهگین می‌شود و از حضور در برابر خدای خود به شکل برهنه شرم دارد (علامه مجلسی، ۱۴۰۳، ج۴۳، ص۲۲۵) و این نهایت حیاست که باید الگوی تمام انسانها و بخصوص زنان باشد؛

اما فهمیدن و بهره بردن از نظرات این الگو به آسانی مقدور نیست؛ زیرا حضرتش الگویی است که بیشتر با زبان کردار می‌گوید؛ برای همین در بین احادیث آن حضرت کمتر مطلبی و حدیث منقول در موضوع حیا در گفتار می‌یابیم و بیشتر با توجه به رفتارهای آن حضرت به موارد حیای ایشان در گفتار پی می‌بریم.

۳- حیا در محتوای کلام

محتوا به معنی آن چه درون چیزی قرار دارد و به مجاز آن چه در یک سخن قصد شده، مضمونِ سخن (عمید،۱۳۶۱ ، ص۹۳۰) می‌گویند. هر چه گوینده کلام دارای علم، بصیرت و درایت باشد کلامی با محتواتر و سخن با مفهوم عالی‌تر دارد و از کلام های دروغ و بی‌معنی و بیهوده‌گویی خودداری می‌کند. در این جا به مواردی از حیای حضرت زهرا ﷺ به لحاظ محتوا ومضمون کلام پرداخته می‌شود که با بررسی گفتار ایشان به دست آمده است.

۳-۱- صداقت

از جمله فضایل اخلاقی، صداقت و پرهیز از دروغگویی است. در دین مبین اسلام دروغگویی حرام و صداقت از واجبات است که فرد دارای حیا در گفتار از ارتکاب این حرام گفتاری خودداری کرده و همیشه در گفتارش صداقت جلوه‌گری می‌کند.

زندگی حضرت زهرا ﷺ بهترین گواه بر صداقت و راستگویی اوست.حضرت فاطمه صدیقه ﷺ با گفتار و رفتار، صداقت خود را در بین دوست و دشمن آشکار می‌سازد. به طوری که از القاب مشهور حضرت «صدیقه» است. « صدیقه» صیغه مبالغه از صدق و به کسی گویند که میان گفتار و کردارش تناقضی وجود ندارد.

عایشه در وصف دخت گرامی پیامبر اسلام ﷺ می‌گوید: « من کسی را به جز رسول الله ﷺ راستگوتر از فاطمه ندیدم» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج۴۳، ص۶۸). هنگامی که واقعه‌ای بین عایشه و فاطمه ﷺ پیش آمده بود خود عایشه می‌گوید: « ای رسول خدا ! از فاطمه بپرس که او هرگز دروغ نمی‌گوید» (پور سید آقایی،۱۳۹۱، ص۳۰۱)

یکی دیگر از موارد ادب گفتاری حضرت، سلام کردن در برخورد با تمام افراد است. سلام کردن از آداب معاشرت اسلامی و ادب مسلمانان در آغاز به کلام است. حضرت زهرا ﷺ طبق سفارش رسول اکرم ﷺکلامش را با سلام شروع می‌کرد و به سلام کردن بسیار اهمیت می‌داد. با دقت در حدیث کسا (شهید ثانی، بی‌تا، ص ۱۵۴) متوجه می‌شویم، هرکس که بر حضرتش وارد می‌شد بر او سلام می‌کرد و ایشان بهتر و بامحبت‌تر جواب سلام را می‌دادند.

همچنین در روایت است که شخصی گفت: نزد حضرت فاطمه ﷺ آمدم، تا مرا دید، سلام کرد و در این امرِ نیکو بر من پیشی گرفت (نیلی‌پور،۱۳۸۷،ص۳۹،به نقل از ناسخ التواریخ)

۴-۲- حیا در نحوه سخن گفتن در برابر نامحرمان:

با توجه به آیات الهی، از موارد ادب در گفتار « قولا لینا» (طه/۴۴) است و سخن گفتن با نرمی را سفارش می‌کند؛ اما با نزول آیات دیگر زنان استثنا و خط قرمز چگونگی گفتار برای زنان در مقابل نامحرمان مشخص می‌شود.

قرآن مجید از زنان پیامبر می‌خواهد که در سخن گفتن مواظب باشند و با طنّازی و کرشمه صحبت نکنند: «یا نِساءَ النَّبِیِّ لَسْتُنَّ کَأَحَدٍ مِنَ النِّساءِ إِنِ اتَّقَیْتُنَّ فَلا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَیَطْمَعَ الَّذی فی قَلْبِهِ مَرَض» (احزاب/۳۲) به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگویید که بیماردلان در شما طمع کنند.»

هر چند مخاطب مستقیم آیه، همسران پیامبرند ولی نمی‌توان حکم را منحصر به آنها دانست، بلکه همه زنان مسلمان را در بر می‌گیرد. حیا اقتضا می‌کند که کیفیت صحبت کردن به گونه‌ای باشد که موجب تحریک و تهییج نامحرم نگردد. از این‌رو فقها فرموده‌اند: سخن گفتن زن با نامحرم و یا رساندن صدایش به نامحرم اگر به کیفیتی باشد که تهییج کننده و یا خوف فتنه باشد، حرام است (موسوی خمینی، بی‌تا، ج۲، ص۲۴۵).

از آن جا که فاطمه نمونه کامل تبعیت از خداوند و دستورات الهی است در این زمینه هم عامل نمونه بودند چراکه ایشان بهترین وضعیت را برای زنان چنین می‌بینند که : « أَنْ لَا تَرَی رَجُلًا وَ لَا یَرَاهَا رَجُل» (محمد باقر مجلسی، ج۴۳، ص ۸۴)

حضرت زهرا نمونه کامل زن مومن و مسلمان است که کاملا از دستورات الهی و از جمله این پیام الهی اطاعت می‌کند. متوجه چگونگی صحبت با نامحرمان می‌باشد. همچنین نبود روایت و یا نقل تاریخی مبنی بر صحبت بیهوده حضرت و یا شوخی با نامحرمان دلیل بر حیای گفتار ایشان است.

نتیجه

حضرت زهرا ﷺ بهترین الگو در حیای گفتار به لحاظ محتوا و نحوه بیان هستند. زبان ایشان به حمد خداوند و نماز و قران، ذکر و دعا و آموختن آن به دیگران مشغول بود. همیشه در گفتارش صادق بود و با کلام مودبانه با پدر و همسر و اطرافیان صحبت می‌کردند. البته نسبت به نامحرمان حساس و سعی در عدم برخورد و گفتار با نامحرم داشتند؛ در صورت لزوم با قاطعیت و به دور از هر گونه لحن و کلام هوس انگیز برای بیماردلان صحبت می‌کردند. فاطمه زهرا ﷺ در بدترین شرایط و نهایت ظلم و بی‌احترامی نسبت به ایشان، هرگز زبان به فحش و ناسزاگویی و بددهنی نگشودند و فقط تهدید به نفرین و در مواردی نفرین کردند. هر جا که لازم شد با بیان رسا از حق و حقیقت و ولایت دفاع کردند و در آخرین مرحله کلام سکوت را و سفارش کفن ودفن شبانه را اختیار کردند و هرگز حیای در گفتار را از دست ندادند.

– فهرست منابع

- **قران کریم**، ترجمه مکارم شیرازی. قم، دارالقران الکریم، ۱۳۷۳.
- **نهج البلاغه**، ترجمه محمد دشتی، قم، نشر مشرقین، ۱۳۷۹.
- **صحیفه فاطمیه**، حمید احمدی جلفایی، قم، انتشارات زائر، ۱۳۸۱

۱- ابن بابویه، محمد بن علی، **الخصال** ، ترجمه فهری، تهران، علمیه اسلامیه ، چاپ اول، بی تا.

۲- ــــــــــــ ، ــــــــــــ ، ترجمه محمد باقرکمره‌ای، تهران، کتابچی، بی‌تا.

۳- ابن أبی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، **شرح نهج البلاغة لابن أبی الحدید**، قم، مکتبة آیة الله المرعشی النجفی ، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.

۴- ابن ابی ذر نراقی، محمد مهدی، **جامع السعادات**، به تحقیق محمد کلانتر، قم، موسسه مطبوعات اسماعیلیان،بی تا.

۵- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی،**مناقب آل ابی طالب علیم السلام**،قم، نشر علامه، ۱۳۷۹ق.

۶- ابن طاووس، علی بن موسی، **مهج الدعوات و منهج العبادات**، مصحح: ابوطالب کرمانی و محمدحسن محرر، قم، دار الذخائر، ۱۴۱۱ ق

۷- ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، مصحح: جمال الدین میر دامادی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ ق.

۸- احمدی جلفایی، حمید، **صحیفه فاطمیه**، قم، زائر، چاپ هفدهم، ۱۳۹۰.

۹- اربلی، علی بن عیسی ،**کشف الغمۀ فی معرفۀ الأئمۀ**، مصحح: هاشم رسولی محلاتی، تبریز، نشر هاشمی، ۱۳۸۱.

۱۰- امینی، ابراهیم ، **اسلام و تعلیم و تربیت**، ج۲، تهران ، انجمن اولیا و مربیان، چاپ هفتم، ۱۳۸۷.

۱۱- انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، سخن، چاپ دوم، ۱۳۸۲.

۱۲- بابازاده، علی اکبر، **تحلیل سیره فاطمه زهراء** ﷺ ، تهران، امام عصر (عج)،چاپ اول، ۱۳۸۰.

۱۳- بروجردی، آقا حسین، **منابع فقه شیعه(ترجمه جامع أحادیث الشیعۀ)** مصحح: جمعی از فضلاء، تهران، نشر فرهنگ سبز، بی تا.

۱۴- پسندیده، عباس، **پژوهشی در فرهنگ حیا**، قم، دارالحدیث، چاپ هفتم، ۱۳۹۰.

۱۵- پور سید اقایی، سید مسعود، **چشمه در بستر**، قم، انتشارات حضور، ویرایش دوم ۱۳۸۱.

۱۶-تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، **غرر الحکم و درر الکلم**، مصحح: سید مهدی رجائی، قم، دار الکتاب الإسلامی، ۱۴۱۰ ق.

۱۷- (منسوب به) جعفر بن محمد علیه السلام، امام ششم، **مصباح الشریعۀ** ، ترجمه حسن مصطفوی، تهران، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۶۰.

۱۸- حاجیانی دشتی، عباس، **لؤلؤ و مرجان یا سخنان سیده نساء العالمین**، بوشهر، موعود اسلام، ۱۳۸۴.

۱۹- حسینیان قمی، مهدی، **زخم خورشید**، تهران، امیرکبیر، ، چاپ دوم، ۱۳۹۰.

۲۰- دهخدا، علی اکبر، **لغت‌نامه دهخدا**، ویرایش دوم. تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.

۲۱- راغب اصفهانی، حسین بن محمد ، **ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن**، مترجم: غلامرضا خسروی، تهران، نشر مرتضوی، بی‌تا.

۲۲- شهید ثانی، زین الدین بن علی، **مسکن الفواد عند فقد الاحبه و الاولاد**، قم، بصیرتی، بی‌تا.

۲۳- طباطبایی سید محمد حسین ، **المیزان فی تفسیر القرآن** ، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین، ۱۴۱۷ ق

۲۴- طبرسی، احمد بن علی، **الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)**، ترجمه جعفری، تهران، اسلامیه ، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۲۵- طبرسی، فضل بن حسن، **تاج الموالید**، بیروت، دارالقاری، ۱۴۲۲ق.

۲۶-طریحی، فخر الدین بن محمد ، **مجمع البحرین**، مصحح: احمد حسینی اشکوری، تهران، نشر مرتضوی، ۱۳۷۵.

۲۷- العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعهٔ، **تفسیر نور الثقلین**، مصحح هاشم رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ ق.

۲۸- عطاردی، عزیزالله، **مسند فاطمه الزهراء** ﷺ ، ترجمه محمد رضا عطائی، تهران، عطارد، ۱۳۸۴.

۲۹- علوی، علی بن الحسین،**المناقب/الکتاب العتیق**،مصحح حسین موسوی بروجردی، قم، دلیل ما، ۱۴۲۸ق.

۳۰- عمید، حسن، **فرهنگ عمید**، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۱.

۳۱- عیاشی، محمد بن مسعود، **تفسیر العیّاشی**، مصحح: هاشم رسولی محلاتی، تهران، المطبعهٔ العلمیهٔ، ۱۳۸۰.

۳۲- قرشی بنایی، علی اکبر، **قاموس قرآن**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲ق.

۳۳- قمی، عباس، **غمخانه فاطمه زهرا** ﷺ ، مترجم سید محمدرضا طباطبایی، تهران، سفیر صبح، چاپ هفتم، ۱۳۸۶.

۳۴- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، **الکافی**، تهران، دار الکتب الإسلامیهٔ ، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.

۳۵- مازندرانی، محمد هادی بن محمد صالح، **شرح فروع الکافی**(للمولی محمد هادی بن محمد صالح المازندرانی)مصحح: محمد جواد محمودی و محمد حسین درایتی، قم، دار الحدیث للطباعهٔ و النشر، ۱۴۲۹ ق.

۳۶-مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوارالجامعهٔ لدرر أخبار الأئمهٔ الأطهار**، بیروت، دار إحیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.

۳۷- محمدنژاد، میرعلی، **هزار شاخه طوبی**، تهران، سنا، چاپ دوم، ۱۳۷۹.

۳۸- محمدی ری‌شهری، محمد، **میزان الحکمه**، ویرایش دوم، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۵.

۳۹- مصطفوی، حسن، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.

۴۰- موسوی خمینی، روح الله، **تحریر الوسیله**، قم، دارالعلم، چاپ اول، ۱۴۲۵ق.

۴۱- نیلی پور، مهدی، **فرهنگ فاطمیه**، اصفهان، مرکز فرهنگی شهید مدرس، چاپ ششم ۱۳۸۷.

مقالات

۴۲- الله بداشتی، علی، **سخن گفتن در آداب اجتماعی اسلام**، دو فصلنامه تخصصی الاهیات اجتماعی، سال اول، شماره۲، پاییز و زمستان۱۳۸۸.

۴۳- حسینی، سید جواد، **دعا در رفتار و گفتار فاطمه زهرا** ﷺ ، مجله مبلغان، شماره ۸۰، تیر و مرداد۱۳۸۵.

۴۴- مسلم، شوبکلائی، **الگوهای رفتاری از زندگی حضرت فاطمه زهرا** ﷺ ، مجله پیام،شماره ۹۹، بهار ۸۹.